



نامهٔ انسان‌شناسی

دورهٔ اول، شمارهٔ سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۲  
صص ۲۳۵-۲۳۸

محمدکریم پیرنیا

معمار

۱۳۰۱-۱۳۷۶

حسین سلطان‌زاده\*

استاد پیرنیا اظهار داشته موجب رضایت خاطر ایشان قرار نگرفت و وی سرانجام دانشکدهٔ هنرهای زیبا را بدون آن که تحصیلات خود را به اتمام برساند، ترک کرد و به بررسی‌ها و تحقیقات فردی متکسی شد و تلاش کرد با بررسی بناها و گفتگو با معماران و استادکاران قدیمی برخی از ویژگی‌ها و اصول معماری ایرانی را مورد شناسایی قرار دهد و به تدریج حاصل برخی از آن‌ها را در طی مقالاتی که تدوین نمود، در اختیار عموم قرار داد. (سرسنگی ۱۳۷۳).

ایشان از سال ۱۳۴۴ تا مدتی پیش از انقلاب به عنوان معاون فنی سازمان حفاظت آثار باستانی در زمینهٔ ترمیم، تعمیر و احیاء بناها و آثار باستانی فعالیت می‌کرد و در ضمن مدتی در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه شهید بهشتی به تدریس معماری ایرانی اشتغال می‌ورزید. (همان: ۹) شاید بتوان اظهار داشت که علاقه و سابقهٔ ایشان در تحصیل ادبیات در توجه وی به برخی از واژه‌های کهن معماری بی‌تأثیر نبوده است، و هر چند که ایشان واژه‌های محدودی را معرفی و تعریف کردند اما متأسفانه این امکان پدید نیامد که خود ایشان بتواند آن‌ها را به صورت اساسی و اصولی

استاد پیرنیا در شهر یزد از پدری نائینی و مادری اهل یزد به دنیا آمد. وی دوران دبستان و دبیرستان را در شهر یزد گذراند. در دورهٔ ابتدایی نخست در دبستان «اسلام» و سپس در مدرسه‌ای دولتی به نام «مدرسهٔ نمرهٔ دو» تحصیل کرد و تحصیلات دورهٔ دبیرستان را در دبیرستان «ایران‌شهر» گذراند و برای ادامهٔ تحصیل در دانشگاه به تهران آمد و با وجود آن که در زمینهٔ ادبیات تحصیل می‌کرد و موفقیت‌هایی نیز داشت اما ادبیات را رها کرد و در نخستین کنکور «دانشکدهٔ هنرهای زیبا» شرکت کرد و قبول شد.

محل دانشکدهٔ هنرهای زیبا در ابتدا در مدرسهٔ مروی و سپس مدتی در مدرسهٔ سپسالار بود، اما پس از سال ۱۳۲۰ به زیرزمین دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران و بعد از مدتی به محل کنونی دانشکدهٔ هنرهای زیبا منتقل شد.

در آن زمان در دانشکدهٔ هنرهای زیبا توجه چندانی به معماری ایرانی نمی‌شد و بیشتر به معماری غربی توجه می‌شد و از نمونهٔ بناهای یونانی و سایر آثار اروپایی برای تمرین‌های درسی استفاده می‌گردید. این موضوع چنان که

\* - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

اشاره به اصول معماری ایرانی است که ایشان غالباً درون‌گرایی، خود بسندگی، نیارش، مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی را به عنوان اصول معماری ایرانی مطرح می‌کردند. نگارنده در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۷۴ و در زمان حیات استاد در مجله آبادی صورت گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۵-۴۰)، اظهار کردم که این اصول جنبه‌ای عام دارند و مخصوص معماری ایرانی نیستند، بلکه آنها را می‌توان در معماری سایر سرزمین‌ها نیز یافت. به هر ترتیب بررسی و تحلیل آراء، نظرات و آثار استاد پیرنیا به مجال دیگری نیاز دارد تا به صورت دقیق بتوان آن را مطرح کرد.

نگارنده شاگردی و بهره بردن از کلاس‌های استاد پیرنیا را برای خود افتخاری می‌داند. در زمانی که ایشان معاون فنی سازمان حفاظت آثار باستانی بودند، بارها برای کسب علم نزد ایشان می‌رفتم و با وجود آن که اشتغال ایشان زیاد بود، اما همیشه با رویی گشاده دانشجویان را به حضور می‌پذیرفتند و آنان را راهنمایی می‌کردند. لازم به اشاره است که استاد پیرنیا افزون بر اطلاعات و دانش، اخلاقی خوش و رفتاری با وقار، متواضعانه و انسانی نیز داشت و به جز برخی از کوته‌نظران و حاسدان، همه شاگردان و همکاران او وی را دوست داشتند. علاقه نگارنده و برخی از دوستان به معماری ایرانی و گشاده‌رویی و همکاری استاد موجب شد که در سال ۱۳۵۶ با همکاری آنها جزوه‌ای در ۱۴۳ صفحه از مطالب درس کلاس استاد پیرنیا به علاوه برخی افزوده‌های دیگر فراهم کنیم که در دانشکده هنرهای زیبا منتشر و در اختیار برخی از دانشجویان قرار گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۵۶). همچنین این که استاد پیرنیا دیباچه‌ای بر کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ و شهر و شهرنشینی در ایران* تألیف نگارنده که چاپ اول آن در سال ۱۳۶۵ و چاپ دوم آن در

گردآوری و تدوین کند و تنها معدودی از واژه‌ها در انتهای مقالات یا کتاب‌های ایشان آورده شده است.

با توجه به کمبود اسناد و متون مربوط به معماری ایران در دهه‌های پنجاه و شصت هجری شمسی، حاصل تلاش‌ها و بررسی‌های استاد پیرنیا بسیار ارزشمند و سودمند بوده است و ایشان به درستی موفق شد دیدگاهی مثبت و ارزنده نسبت به معماری ایرانی پدید آورد، اما طبیعی است که مقدار اندک اطلاعات و فقدان حمایت‌های مادی و معنوی از تحقیقات ایشان موجب شد که جامعه ایرانی نتواند از همه توانمندی‌های آن استاد بهره برد.

استاد در زمینه‌های متعددی در مورد معماری ایرانی صاحب‌نظر بود، اما به سبب کمبود منابع و امکانات، طبیعی است که امکان گسترش و توسعه مطالب و نظریه‌ها وجود نداشت. ایشان علاوه بر اطلاعات بسیار سودمند و ارزشمندی که در مورد معماری ایرانی تألیف و فراهم آوردند، به صورت خاص در سه مورد نکاتی و مباحثی را طرح کردند. نخست چنان که پیش‌تر اشاره شد ایشان شمار فراوانی از واژه‌های کهن و قدیمی در زمینه معماری را گردآوری کردند که متأسفانه پژوهش و بررسی بر روی آنها گویا پس از درگذشت ایشان متوقف شده است. این فعالیت اگر به شکلی اساسی انجام شود، در شناخت و معرفی معماری ایرانی بسیار مؤثر خواهد بود.

موضوع دیگری که ایشان مورد توجه قرار دادند، سبک‌شناسی معماری ایرانی است. استاد شش سبک در معماری ایرانی از دوران باستان تا دوران قاجار قائل شدند که عبارت است از: سبک پارسی، پارتی، خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی. به نظر می‌رسد که این طبقه‌بندی از شیوه‌های ادبیات ایران تأثیر پذیرفته بود. به هر صورت این بررسی به سبب کمبود اطلاعات به شکلی جامع تداوم نیافت. نکته یا موضوع سوم

۲. «بیماری بلوار» در هنر و مردم، سال ۶، شماره ۶۹، ۱۳۴۷، صص ۳۹-۴۳.
۳. «بازار ایران»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳، ۱۳۴۸، صص. ۵۵-۶۰.
۴. «درگاه و کتیبه آستان حضرت عبدالعظیم» باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره دوم، بهار ۱۳۴۸.
۵. «مسجد جامع فهرج»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۵، ۱۳۴۹، صص. ۲-۱۳.
۶. «تویزه، قوس، دور»، در هنر و معماری، شماره ۸، ۱۳۴۹، صص. ۱۶۹.
۷. «طاق و گنبد» در هنر و معماری، شماره ۱۰-۱۱، ۱۳۵۰، صص. ۳۱-۴۰.
۸. «مروری بر کتاب نظری اجمالی بر شهرنشینی و شهرسازی در ایران»، مجله اثر، شماره ۱، ۱۳۵۹.
۹. «خیز و اندام گنبد‌های ایران»، در هنر و معماری، شماره ۱۰-۱۱، ۱۳۵۰، صص. ۶۷-۷۴.
۱۰. «بادگیر و خیشخان» در هنر و معماری، شماره ۱۰-۱۱، ۱۳۵۰، صص. ۱۹-۳۰.
۱۱. «پاسداری از یادگارهای ایران باستان»، در هنر و معماری، شماره ۱۷، ۱۳۵۲، صص. ۵۴-۶۰.
۱۲. «ارمغان‌های ایران به جهان معماری، گنبد»، در هنر و مردم، سال ۱۲، شماره ۱۳۶-۱۳۷، ۱۳۵۲، صص. ۷-۲.
۱۳. «بناهای تاریخی هر کشور در حکم شناسنامه‌های فرهنگی است»، در هنر و معماری، سال ۵، شماره ۱۷، ۱۳۵۲، ص. ۵۵.
۱۴. «خانه‌های خدا در ایران زمین»، در هنر و مردم، سال ۱۳، شماره ۱۴۹، ۱۳۵۳، صص. ۸۲.

سال ۱۳۶۷ منتشر شد، نوشتند نیز افتخارآمیز است. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷)

در اینجا لازم است از دو نفر از همکاران محترم که در گردآوری و تدوین آثار استاد پیرنیا نقش مهمی داشته‌اند، یعنی از سرکار خانم مهندس زهره بزرگمهری و جناب آقای دکتر غلامحسین معماریان قدردانی شود.

فهرست کتاب‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های استاد پیرنیا به نقل از یادنامه استاد پیرنیا به شرح زیر است:

#### الف) فهرست کتب

۱. (همراه با افسر کرامت‌الله)، «راه و رباط»، تهران، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۲، چاپ دوم، سازمان میراث فرهنگی، انتشارات آرمن، ۱۳۷۰.
  ۲. «شیوه‌های معماری ایران»، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، نشر هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
  ۳. «گنبد در معماری ایران»، گردآوری زهره بزرگمهری، در مجله اثر، شماره ۲۰، ۱۳۸۰.
  ۴. «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۱.
  ۵. «کتاب هنر دبیرستان»، بخش معماری.
  ۶. «مهندس در معماری»، گردآوری زهره بزرگمهری، تهران، سازمان میراث فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۱.
- #### ب) فهرست مقالات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها
۱. «سبک‌شناسی معماری ایران»، در باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۱، ۱۳۴۷، صص. ۴۳-۵۴.

## منابع

- ۱- سرسنگی، مجید (به کوشش) ۱۳۷۳، یادمان استاد محمدکریم پیرنیا، زیر نظر دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- زندگی‌نامه استاد پیرنیا براساس متن گفتگویی که با ایشان صورت گرفته است.
- ۲- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۴، معماری ایران، در مجله آبادی، سال ۵، شماره ۱۹، ۱۳۷۴، صص. ۴۰-۴۵.
- ۳- سلطان‌زاده، حسین و دیگران، ۱۳۵۶، فرهنگ معماری ایران، تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- ۴- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، ج. ۲، تهران، امیرکبیر.
۱۵. «ارمغان‌های ایران به جهان معماری، جناغ و کلیل»، در هنر و مردم، سال ۱۲، شماره ۱۴، ۱۳۵۴، صص. ۶۲.
۱۶. «ارمغان‌های ایران به جهان معماری، پادپاب»، در هنر و مردم، سال ۱۲، شماره ۱۳۹، ۱۳۵۳، صص. ۲۵-۳۱.
۱۷. «سبک آذری»، در فرهنگ معماری ایران، شماره ۱، ۱۳۵۴، ص. ۵۵.
۱۸. «مردم‌واری در معماری ایران»، در فرهنگ و زندگی، شماره ۲۴، ۱۳۵۵، صص. ۶۲-۶۵.
۱۹. «خواب آلودگان به شیوه‌های معماری ایران نام بیگانه می‌نهند»، در هفت هنر، شماره ۲۳، ۱۳۵۵، صص. ۴۶-۵۳.
۲۰. «معماری مساجد ایران، راهی به سی ملکوت»، در فصلنامه هنر شماره ۳، ۱۳۶۲، صص. ۱۳۶-۱۵۱.
۲۱. «شرایط اقلیمی کویر و مسائل مربوط به بناهای خشتی»، در معماری ایران، گردآوری آسیه جوادی، تهران، انتشارات مجرد، ۱۳۶۳، صص. ۸۸۹-۸۹۴.
۲۲. «مساجد»، در معماری ایران دوره اسلامی، گردآوری محمدیوسف کیانی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۳۶، صص. ۱-۲۲.
۲۳. معماری ایران، مجموعه سخنرانی‌های کرمان، ۱۳۵۰، صص. ۱۷-۳۴.
۲۴. «استاد محمدکریم پیرنیا و اصول معماری سنتی ایران»، تهران، کیهان فرهنگی، ۱۳۶۴، سال دوم، صص ۱۳-۳.
۲۵. «در و پنجره در معماری ایران»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره دوم، بهار ۱۳۴۸، صص ۸۱-۷۵.
۲۶. «پای صحبت استاد مهندس پیرنیا»، تهران، کیهان علمی، ۱۳۷۳، سال ششم، شماره ۸، صص ۴۰-۲۹.